



این حقوقدان افزود: نکته‌ی قابل اهمیت برای دخترانی که با چنین موقعیتی مواجه می‌شوند این است که اولاً با شناخت کامل و تحقیقات لازم نسبت به ایجاد ارتباط متعارف با خواستگار مورد نظرشان اقدام کنند و حتماً در برخورد با اولین رفتار نامتعارف خواستگار قضیه را با خانواده‌ی خویش مطرح کنند.

جعفر پور خاطر نشان کرد: سکوت خانم‌ها در چنین پرونده‌هایی مهم‌ترین دلیل ادامه رفتارهای مجرمانه چنین اشخاصی است بنابراین لازم است برای پیشگیری از تکرار چنین رفتارهایی حتماً به پلیس و مرجع قضایی اطلاع داده شود.

محمد هادی جعفر پور در پایان گفت: چنانچه دختر خانمی از ترس آبرو و مشکلات خانوادگی تمایل به فاش کردن چنین مسئله‌ی ای ندارد می‌تواند بدون ذکر نام و فاش کردن هویت خویش، مراتب را به دفتر دادستان شهر منتقل کند و دادستان مکلف به پیگیری موضوع است.

مبلغی به حسابم واریز کرد و در جریان مابقی کارهای اونیتیم.

در تحقیقات پلیس مشخص شد رضا با همین ترند ظرف دو سال گذشته با بیش از ۱۰ دختر رابطه برقرار کرده و هر بار به بهانه‌ای از جمله فاش کردن رابطه‌اش نزد خانواده‌ی دختر مورد نظر توانسته از مجازات فرار کند.

فیلم‌های در ادامه تحقیقات روشن شد که رضا در همان منزل نقلی خارج از شهر دوربین مدار بسته‌ای داشته و از روابطش با طعمه‌هایش فیلم تهیه می‌کرده و پس از قطع ارتباط اگر با اعتراض دخترها مواجه می‌شده نسخه‌ای از فیلم را با تهدید به آبروریزی و... برای وی ارسال می‌کرد.

محمد هادی جعفر پور حوفا در این زمینه گفت: قابل ذکر است انتشار فیلم خصوصی و فیلمبرداری از اشخاص بدون اطلاع ایشان مستند به ماده ۲۳۵ قانون مجازات جرم و شامل ۹۱ روز تا دو سال زندان است.

رضا جلوی فروشگاهی توقف و رضا از خودرو پیاده شد و به سمت فروشگاه رفت، بلافاصله فرصت را غنیمت شمردم و به سراغ خانم جوان رفته و به بهانه‌ی خواستگاری از وی برای پسرم یا او صحبت کردم که ناگهان او رضا را نامزد خودش معرفی کرد و گفت چند ماهی است با رضا آشنا شده است و قرار است هفته‌ی آینده والدین رضا از شهرستان به خواستگاری وی بیایند.

مادر سسیرا در حالیکه ششوک شده بود، ضمن پنهان کردن این مسئله، از دختر جوان به بهانه‌ی دیدن خواهر کوچکترش از وی شماره تماس گرفت، صبر کرد تا روز مراسم خواستگاری رضا از سسیرا...

روز خواستگاری، همین که رضا و پدرش وارد خانه شدند مادر سسیرا طوری که سایرین متوجه نشوند از شروع مراسم خواستگاری فیلم گرفت و برای دختری که در خودروی رضا با او صحبت کرده بود ارسال کرد و برای دختر پیامی مبنی بر اینکه نامزد شما مشب آمده خواستگاری دختر من و در ادامه نشانی منزلشان را برای دختر ارسال کرد.

یک ساعت بعد دختر جوان به اتفاق پدر و مادرش همراه با پلیس وارد منزل خانواده سسیرا شدند و پرده از راز خواستگار شیدا برداشته شد. بازداشت شیطان

پیرمردی که خودش را پدر رضا معرفی کرده بود با دیدن پلیس دستپاچه شده و با صدای لرزان به پلیس گفت: رضا به من گفت که والدینش در شهرستان ساکن هستند و از من خواست که خودم راجای پدرش معرفی وی به خواستگاری دختر مورد علاقه‌اش بروم بنابراین نقش پدرش را بازی کردم و پذیرفتم او هم در قبال حق قدم

سسیرا از ترس بی آبرویی سکوت کرد!

فیلم سیاه شیطانی از نوعروس

پس از این تماس، رضا با مراجعه به نزد والدین سسیرا از بروز مشکلی مالی خبر داد و تا مهیا شدن موقعیت مالی، دو ماه برای برگزاری مراسم خواستگاری و ... فرصت خواست.

پلیس بازی مادر عروس

مادر سسیرا وقتی ماجرای خواستگار دخترش به پلیس کشید گفت: از روزی که رضا برای تعیین تاریخ یک مراسم خواستگاری ساده دو ماه فرصت خواست به وی مشکوک شدم، این شک همزمان شد با کم شدن تماس‌ها و رفت و آمدهای رضا به منزل ما بیشتر شد، سسیرا هم آن دختر سابق نبود و حضورش در منزل نامنظم شده بود بیشتر اوقات تا نیمه شب بیرون بود و اگر تماسی هم می‌گرفتم می‌گفت با رضا رستوران هستند یا با دوستانش دورهم هستند.

اصراً و تقاضای ما برای پدر برای تماس با والدین رضا به جایی نرسید و همین کم محلی و تکرار بهانه‌هایی که بوی دروغ می‌داد سبب کلدورت و دلخوری پدر سسیرا و بگو مگوی مختصری با دخترمان شد تا آنجا که پدر سسیرا شرط کرد چنانچه در یک ماه آینده خانواده‌ی رضا برای خواستگاری و تعیین تکلیف‌پایین نگذارند سسیرا حق ندارد به رابطه‌اش ادامه دهد.

بنابراین تصمیم گرفتم برای رفع نگرانی و صحبت با رضا به محل کارش بروم.

لور رفتن نامزد پنهان خواستگار

هنوز به در ورودی آموزشگاه نرسیده بودم که رضا با دختری جوان مسوار بر خودروی شخصی از محدوده آموزشگاه دور شدند. دلم شورافتاد و برای رفع این دلشوره پشت سرشان حرکت کردم تا اینکه خودروی

رضا در پاسخ به سسیرا با اظهار تعجب از رفتار پیرمرد و سپس لیختندی از سر رضایت گفت: چه پیرمرد زبل شده! دیده من مدام از سسیرا ختم تعریف می‌کنم آمده برای پسرش استین بالا بزنه!!

آره خانم من از هر یک ساعتی که پیش بابام هستم پنج‌ها و نه دقیقه‌اش از ششما و کمالات شما حرف می‌زنم و با بنده خدا فکر کرده شما من را قابل می‌دانید تا با هم زیر یک سقف زندگی کنیم، بخافل از اینکه سرکار خانم من را قابل نمی‌دانم.

یک هفته از آمدن پدر رضا به آموزشگاه گذشته بود که سسیرا ماجرای آشنایی‌اش با رضا را برای والدینش مطرح کرد و گفت که رضا قصد دارد برای خواستگاری به اتفاق پدرش به منزلمان بیایند.

خواستگاری رسمی

روز موعود فرا رسید و رضا به اتفاق پدرش به خانه سسیرا رفتند پس از جلسه‌ی آشنایی خانواده‌ها قرار بر این شد که برای شناخت بیشتر سسیرا و رضا دو سه ماهی در قالب نامزدی‌ها در ارتباط باشند. در همین راستا و به جهت تنها بودن رضا و پدرش در یک خانه‌ی نقلی در شهرکی واقع در چند کیلومتری شهر بیشتر اوقات رضا مهمان خانواده سسیرا بود تا اینکه پس از مدتی پدر سسیرا متوجه شد دخترش پنهانی و بدون اطلاع و بی‌وی با مادرش به خانه‌ی رضا رفت و آمدهای مکرر دارد در همین حین مادر سسیرا نیز متوجه تغییراتی در رفتار دخترش و ظاهر وی شد. همین امر سبب شد تا

خانواده‌ی سسیرا با رضا تماس گرفته‌از وی بخواهند بدون آنکه چیزی به سسیرا بگویند تاریخ مراسم رسمی خواستگاری را هر چه زودتر تعیین کنند. یکی دو هفته

گروه حوادث - پسری در نقش خواستگار پای در خانه‌پدری دختران می‌گذشت و آنها عروس‌های شوم بخت را به خلو نگاه شیطانی می‌کشاند.

این پسر با تهیه فیلم‌های سیاه از عروس خانم‌ها آنها را تحت سلطه می‌گرفت و اگر پلیس بازی‌های مادر یکی از دختران نبود هیچ ردی از این شیطان به دست نمی‌آمد.

عاشقانه‌ای برای ازدواج

چند ماهی از شروع به کار سسیرا در مجموعه‌ی آموزشی که رضا مدیریت آن را به عهده داشت گذشته بود که یک روز رضا به بهانه‌ی هماهنگی کلاس‌ها و ساعت‌های حضور سسیرا در محیط آموزشگاه با وی جلسه‌ای گذاشت و پیرامون برخی موضوعات با او حرف زد. خلاصه تداوم این جلسات سبب نزدیکی بین رضا و سسیرا شد و حتی هر از گاهی با هم قرار ملاقات‌های دو کافه شاپ‌ها به بهانه‌ی دور بودن از محیط آموزشگاه داشتند.

این ارتباط رفته رفته تداوم یافت و با موضوعاتی خارج از مسائل کاری و تماس‌های گاه‌وبی‌گاه رضا و ارسال پیام‌های مهربانانه و... به این ماجرا ختم شد؛ که روزی پیرمردی خوش پوش و مبادی آداب به دفتر آموزشگاه مراجعه و از کارکنان درباره سسیرا مدرس این آموزشگاه تحقیق کرد.

پدر داماد

پیرمرد طوری به تحقیق و پرس و جو راجع به سسیرا پرداخت و هر آنکه بی‌خیالی سسیرا بود کنج‌کاو می‌شد تا دلیل حضور پیرمرد مطلع شود و به کسی بهتر از رضا!!

نقشه شوم پسر جوان بخاطر عشق خوانندگی در لس آنجلس!



قتل

می‌گذاشتم جلویم و تصور می‌کردم که در مقابل تماشاچیان قرار گرفته‌ام و کنسرت برگزار می‌کنم. راستش من صدای خیلی خوبی هم دارم و از کودکی در مجالس مختلف می‌خواندم.

نقشه سرقت چطور به ذهنت رسید؟

دلیل اولش این بود که عشق خوانندگی داشتم و می‌خواستم با تهیه پول خودم را به آمریکا برسانم و یک خواننده لس آنجلسی مطرح شوم و دلیل بعدی این بود که می‌خواستم قدرتم را نشان بدهم. چون از بچگی تحقیر می‌کردند و همیشه می‌گفتند که نمی‌توانم از پس خودم بر بیایم. به من می‌گفتند بی عرضه. چون همیشه پدرم و برادر بزرگترم مرا سرزنش و تحقیر می‌کردند.

طعمه‌هایت را چطور شناسایی می‌کردی؟

وقتی بلد باشی خوب صحبت کنی، به دام انداختن آدم‌ها هم برایت راحت تر است. من معمولاً طعمه‌هایم را در کافه‌ها، پارک‌ها، رستوران‌ها و... پیدا می‌کردم. معمولاً تیپ خوب می‌زدم و جوری وانمود می‌کردم که انگار آهنگساز حرفه‌ای هستم. حتی می‌گفتم در یک دانشگاه معتبر در آمریکا درس خوانده‌ام و بعد هم نقشه سرقت

را شناسایی می‌کنند. او به دستور قاضی مرتضی رسولی، بازپرس شعبه هشتم دادسرای ویژه سرقت بازداشت شد و برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار مأموران پایگاه هشتم پلیس آگاهی قرار گرفت.

گفت‌وگو

می‌خواستیم به لس آنجلس بروم

منهم دستگیر شده ۲۱ ساله‌ام. می‌گویند آرزوی من این بوده که خواننده‌های معروف بشوم و از طعمه‌هایم سرقت می‌کرده تا به جمع خوانندگان لس آنجلسی بپیوندم. گفت‌وگو با ورامی خوانید.

از موسیقی چیزی می‌دانی؟

تا دلناتن بخواهد اطلاعات دارم اما خوب فقط تئوری موسیقی را می‌دانم و نمی‌توانم خوب‌ساز بزنم. چون هیچ وقت شرایط یادگیری‌اش را نداشتم. دلم می‌خواست خواننده مشهوری شوم اما هیچ وقت رویاهای کودکی‌ام محقق نشد.

چرا به خواستگاری رفتی؟

چون در یک خانواده فقیر به دنیا آمدم و بزرگ شدم. نمی‌توانستم از پدرم برای کلاس موسیقی پول بگیرم. بیاتوی اسباب بازی

علاقه زیادی به دنیای موسیقی داشتم، شیفته صحبت‌های فریمان شدم و ارتباطم با او صمیمی‌تر شد. برای همین او را به خانه‌ام دعوت کردم تا به من آموزش بیانو بدهد، اما آن روز پس از نوشیدن یک فنجان چای از هوش رفتم. وقتی چشم‌انم را باز کردم اثری از فریمان نبود. او پس از بیهوش کردن من اموال قیمتی‌ام را سرقت کرده بود، اما این پایان ماجرا نبود، چرا که فریمان هنوز نزد بعد با ارسال عکس‌های خصوصی‌ام، تهدید کرد که اگر ۲۰ میلیون تومان به حسابش واریز نکنم، عکس‌ها را منتشر کرده و آبرویم را می‌برد. من این پول را تهیه کردم و به او دادم اما مرد شیداد دست بردار نبود و در نوبت دوم پول بیشتری از من طلب کرد که من تصمیم به شکایت از او گرفتم.

دستگیری

تحقیقات پلیس برای دستگیری مرد شیداد ادامه داشت تا اینکه مأموران سرنخی از او به دست آوردند. وی به آخرین طعمه‌اش گفته بود که خدمت سربازی‌اش آبان سال گذشته تمام شده و مأموران با توجه به این سرنخ و تصویری که از متهم داشتند موفق شدند وی

گروه حوادث - جوان ۲۱ ساله که رویای خوانندگی در سر داشت و آرزوی می‌کرد روزی خواننده لس آنجلسی شود، برای رسیدن به رویایش نقشه سرقت کشید. او طعمه‌هایش را بیهوش و علاوه بر سرقت اموالشان، از آنها اخذ می‌کرد.

از ۳ ماه قبل شکایت‌هایی پیش روی کارآگاهان پایگاه هشتم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت که نشان می‌داد پسری جوان با فریب طعمه‌هایش، اموالشان را سرقت می‌کند و با تهیه فیلم سیاه دست به باجگیری از آنها می‌زند.

همه مالیات‌ها هم مردان جوان یا میانسال بودند که به دام جوانی به نام فریمان گرفتار شده بودند.

یکی از مالیات‌ها در توضیح ماجرا گفت: چندی قبل به یک کافه در تهران رفته بودم که در آنجا با جوانی به نام فریمان آشنا شدم. او بسیار شیک پوش و خیلی خوش صحبت بود. فریمان مدعی بود موسیقی دان است و از کودکی در آمریکا درس خوانده و به تازگی برای دیدن خانواده‌اش به ایران آمده است. او تسلط کافی در موسیقی داشت و می‌گفت آهنگساز خوانندگان لس آنجلسی است. من که

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

خدمات

مفقودی

خشکشویی

استخدام

خدمات برق
انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی
۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۴۶۳۶۳/۰۱
به نام فتح الله خلیج مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

خشکشویی طلوع در اسرع وقت با تضمین و کیفیت عالی همراه با پیک تحویل آدرس : مجتمع خدماتی طلوع، روبروی برجهای طلایی و بازار کوروش
۰۹۱۷۶۱۳۷۵۴۳ - ۰۹۳۴۷۶۹۷۵۸۸
با مدیریت عسکری

یک شرکت معتبر جهت تکمیل کادر مالی واداری خود نیازمند یک نیروی حسابداری وهمچنین یک نفر نیرو در زمینه امور اداری ودفتری می باشد.

در صورت تمایل به آدرس ذیل مراجعه فرمایید.
خیابان سنایی جنب سازمان تامین اجتماعی برج اداری درسا پلاک B0135 طبقه سوم غربی واحد ۶
۳ - ۰۷۶۴۴۴۳۳۳۵۲ -
۰۹۳۴۷۶۹۸۱۷۳

حمل کالا

صنایع چوب

مبل شویی

به تعدادی کارگر ساده جهت کار پاره وقت بعنوان پیک موتوری نیازمندیم.
۴۴۴۲۴۹۹۹

حمل و جابجایی کالا
با ۶ چرخ در سطح جزیره
۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰

صنایع چوب حلاج کیش
کلیه سفارشات
MDF، چوبی
دکوراسیون غرفه و منزل
تلفن ۷۶۹۸۲۵۲

مبل شویی سیار
شستشوی مبل صندلی تشک موکت فرش
با بهترین کیفیت و نازل ترین قیمت
در اسرع وقت
۰۹۳۸۲۸۰۲۲۹۳
۰۹۱۷۴۵۷۹۱۱۰

استخدام منشی صبح ساکن کیش
یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شیفت صبح استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۶۹ تماس حاصل فرمایند.
ساعت کاری: ۸ تا ۳/۵

نیازمندیهای اقتصاد کیش
۴۴۴۲۳۹۱۰ - ۴۴۴۲۴۹۹۹

استخدام نیروی خدماتی
یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، نیروی خدماتی ساکن کیش استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۰۲۸۴ تماس حاصل فرمایند.

کلیه سفارشات

تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲

MDF، چوبی
دکوراسیون غرفه و منزل

صنایع چوب حلاج کیش